



پیام تسلیت درباره سیل پاکستان

رئیس‌جمهور در پیامی جان باختن و آسیب دیدن شماری از مردم پاکستان در پی وقوع سیل ویرانگر را به شهپاز شریف، نخست‌وزیر و مردم این کشور تسلیت گفت. مسعود پزشکیان در پیامی ضمن ابراز همدردی صمیمانه دولت و ملت ایران با نخست‌وزیر، دولت و مردم جمهوری اسلامی پاکستان در پی وقوع حادثه سیل ویرانگر در بخش‌هایی از این کشور دوست و برادر، بر آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای هرگونه همکاری و کمک‌های انسانی و امدادی به منظور کاهش آلام آسیب‌دیدگان تأکید و برای مجروحان و آسیب‌دیدگان این حادثه، سلامتی و بهبودی عاجل مسئلت کرد. به گفته مقام‌های مدیریت بحران این استان، دست‌کم ۳۵۱ نفر در حوادث مرتبط با باران این هفته در سراسر خیبر پختونخوا و منطقه شمالی گلگت-بلتستان جان خود را از دست داده‌اند.



دیگر خویشتن‌داری نمی‌کنیم

ستاد کل نیروهای مسلح به مناسبت فرا رسیدن ۲۶ مردادماه سالروز بازگشت آزادگان به ایران بیانه‌ای صادر کرد. در این بیانه آمده است: «این سالروز خجسته، یادآور حماسه‌آفرینی‌ها و از خودگذشتگی‌های فرزندان برومند و بی‌دیل این ملت قهرمان، ولایت‌مدار و بصیر است؛ آزادگانی که با استقامت و پایداری بی‌نظیر خویش در برابر خصم متجاوز، حلقه‌های اسارت را به شعله‌های آتشین خشم و اراده پولادین ملت ایران مبدل ساختند و درسی فراموش‌ناشدنی به دشمنان این آب و خاک دادند.» در بخش دیگر این بیانه آمده است: «ستاد کل نیروهای مسلح، بار دیگر به آمریکای جنایتکار، شرور و رژیم ددمنش صهیونیستی هشدار قاطع می‌دهد که از توطئه‌گری و خیانت علیه ایران مقتدر و شکست‌ناپذیر دست بردارند. چراکه در صورت هرگونه اشتباه محاسباتی و اقدام شیطانی، آنچه در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، موجب خویشتن‌داری و مانع از انجام عملیات گسترده شد، در صورت تکرار، با شگفتی‌های جدید و اقداماتی به‌مراتب سهمگین‌تر و کوبنده‌تر از قبل مواجه خواهند شد.»



سرپرست جدید ستاد امر به معروف منصوب شد

با حکم رئیس شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه کشور، محمدحسین طاهری‌آکردی به‌سمت سرپرست ستاد امر به معروف و نهی از منکر منصوب شد. طاهری‌آکردی، متولد سال ۱۳۵۴ در قم است. وی در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شد و در سال ۱۳۹۰ دکتری در رشته ادیان و عرفان را دریافت کرد. او در دهه گذشته در مناصب و جایگاه‌هایی مانند عضویت در هیئت‌رئیس‌ه انجمن علمی ادیان حوزه علمیه قم، همکاری با بخش فیرق و ادیان معاونت تبلیغ حوزه علمیه قم، مدیریت برنامه‌ریزی آموزشی، مدیریت برنامه‌ریزی پژوهشی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قم و... کار کرده است و اکنون عضو هیئت علمی گروه ادیان موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی قم است و با حکم آیت‌الله مصباح‌یزدی ریاست مرکز آموزش مجازی آن موسسه را نیز برعهده دارد. پیش از این کاظم صدیقی رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر بود.

مثبت و منفی احمدی‌نژاد



فیاض زاهد
استاد تاریخ

پدیده محمود احمدی‌نژاد، شاید از نظر روانی، بازتابی از نیازی بود که برخی احساس می‌کردند ایران به آن نیاز دارد. افرادی که فکر می‌کردند که مسئله توسعه در ایران بیشتر بر آزادی تمرکز پیدا کرده و این موضوع را برآمده از یک اردوگاه لیبرالی در دولت آقای خاتمی تلقی می‌کردند. دولت آقای خاتمی، با اینکه با شعار اقتصادی روی کار نیامده بود و البته موفق‌ترین کارنامه اقتصادی را داشت، خودش را پیشگام نوعی توسعه عقلایی، کاهش سطح تنش، گفت‌وگو با جامعه جهانی، شعار جامعه مدنی و تکیه بر قانون می‌دانست و تلاش می‌کرد که هویت خودش را معنابخش کند. شاید اوج اختلاف به تدوین برنامه چهارم برمی‌گردد، آنجایی که مداخلاتی از بالا صورت گرفت مبنی بر اینکه قانون چهارم توسعه این‌م‌زند توقف و بازبینی و توجه به برخی است و یا تلاشی که مرحوم توکلی و دوستانش برای جلوگیری از افزایش قیمت بنزین انجام دادند ولی توجه به این نداشتند که چه تاثیر مرگباری بر اقتصاد ایران دارد.

در چنین فضایی، احمدی‌نژاد می‌توانست نماد و چهره‌ای از

سیاستمداری باشد که می‌تواند این ادعا را داشته باشد که می‌خواهد گروه‌های فراموش‌شده را باز یابد. هر چند در عمل بعداً دیدیم که برعکس شد و نتیجه دولت احمدی‌نژاد نه‌تنها، منجر به افزایش سطح توانمندی و تاب‌آوری طبقات آسیب‌پذیر نشد، بلکه منجر به افزایش تورم هم شد. نکته بعدی این است که آقای احمدی‌نژاد در معرض این اتهام قرار گرفت که اقدامات و سوگیری‌های او، بیش از آنکه به نفع ارزش‌های انقلاب باشد، در جهت ارزش‌هایی بود که دولت اسرائیل تبلیغ می‌کرد. یعنی، آقای احمدی‌نژاد خواسته یا ناخواسته در زمینی بازی کرد که سود آن را دولت اسرائیل برد. اسرائیل پس از اینکه رئیس‌جمهور ایران به سازمان ملل رفت و بحث گفت‌وگوی تمدن‌ها را مقابل برخورد تمدن‌ها مطرح کرد و پس از آن، آقای خاتمی در جهان جایگاه خاصی را پیدا کرد و صاحب احترام شد، به شخصیتی مانند احمدی‌نژاد در ایران نیاز داشت.

بدشانشی و یا خوش‌شانسی ایران این بود که در دوره هشت ساله آقای احمدی‌نژاد، ایران به اندازه کل دوران تاریخ خودش از مظفرالدین‌شاه تا آن موقع، نفت فروخت و این در واقع نوعی اعتمادبه‌نفس کاذب را به دولت داد و در نتیجه این اعتمادبه‌نفس، از کارهای اساسی کاست. در همین راستا و در دیگر نقاط دنیا، پروژه‌هایی را اجرا کرد. مثلاً در نیکاراگوئه، بولیوی و ونزوئلا دنبال ساخت مسکن مهر رفت و یا در داخل کشور، سراغ پروژه‌هایی مانند مسکن مهر رفت

که ظاهر فریبنده داشت بدون اینکه به زیرساخت‌ها و منابع تامین نیازها توجه کند. همان موقع این بحث مطرح بود که خوب است که بافت‌های فرسوده احیا شود. در بسیاری از جلسات شاهد بودم که کارشناسان، معتقد بودند که این کار، شبیه همان بیماری هلندی است که محمدرضا پهلوی در دهه ۵۰ گرفتار آن شده بود.

ضمن اینکه آقای احمدی‌نژاد وارد یک دوره پرماجرایی از تنش با جامعه جهانی شد و به چیزهای عجیبی توجه کرد. یکی از آن موارد، برگزاری کنفرانسی در تهران با محوریت آقای محمدعلی رامین بود. من شاید اولین آدم رسانه‌ای هستم که در آن سال‌ها و پس از زمانی که از آلمان به ایران برگشته بود، با ایشان گفت‌وگویی را انجام دادم. من از آقای رامین که آن موقع یک فعال سیاسی افراطی بود و بعداً معاون مطبوعاتی شد، پرسیدم که شما در زمان جنگ تحمیلی، آیا یک روز جبهه بودید؟ ایشان گفت نه. من در آن گفت‌وگو شوخی کردم و به او گفتم من از کنار دریا آمدم و در شهر شما که دزفول بود، جنگیدم، بعد شما از آلمان بلند نشدید تا از شهرتان دفاع کنید؟ ایشان آن موقع کنفرانسی را با نام جهان بدون آمریکا را برگزار کرد و بعد هم که مسئله هولوکاست از سوی آقای احمدی‌نژاد مطرح شد که این مطرح کردن، آثار بسیار زیان‌باری را برای کشور داشت. من از نظر تحقیقی، با بسیاری از منتقدین هولوکاست موافق هستم که شما نمی‌توانید در دانشگاه‌های آمریکایی و اروپایی درباره هولوکاست، پرسش‌های تحقیقی انجام دهید. یعنی آنقدر اسرائیلی‌ها از لایبرنت خود استفاده کردند که این را به یک تابو تبدیل کردند. روی عدد و رقم هولوکاست می‌توان بحث کرد اما بحثی در خود هولوکاست نیست. اما آقای احمدی‌نژاد با انکار هولوکاست، باعث شد که در همان سال‌ها توجه به موزه‌های هولوکاست افزایش پیدا کند، در همان سال برای اولین

۲۵ سال پس از معجزه هزاره سوم

بررسی روند ظهور، رشد و مواضع امروز محمود احمدی‌نژاد



خبرنگار گروه سیاست

۲۰ سال از روزی که محمود احمدی‌نژاد به عنوان رئیس‌جمهور در ایران سوگند یاد کرد، گذشته است. فردی، متولد شده از دل جریان راست که در زمان رسیدن به ریاست‌جمهوری، دو دسته موافق و مخالفت داشت. در یک سمت، اصلاح‌طلبان بودند از همان ابتدا تا اکنون مخالف او بودند اما در سمت دیگر، اصول‌گرایانی قرار داشتند که دو نوع بر خورد را با او تجربه کردند. در سال‌های اول، او را معجزه هزاره سوم نامگذاری کردند، باقی‌مانده لیوان آیش را در مجلس هفتم به نشانه تبرک نوشیدند، به خاطر او در انتخابات ۸۸ هر چه از دست‌شان برآمد انجام دادند اما در دوره دوم ریاست‌جمهوری، آرام آرام فاصله گرفتن او از بدنه حامیان جدی‌اش آغاز شد و این فاصله به جایی رسید که برخی از وزرایش، نامه اعلام برائت از احمدی‌نژاد را امضا کنند. حالا بیش از بیست سال از روزی که او کارش را در رأس قوه مجریه آغاز کرد، می‌گذرد. به همین مناسبت، «خانه گفتارها» در بستر کلاب‌هاوس جلسه‌ای را با نام «محمود احمدی‌نژاد؛ زمانه و کارنامه» برگزار کرد که در این جلسه، افرادی به ارائه بحث درباره احمدی‌نژاد پرداختند. البته ذکر دو نکته درباره این جلسه ضروری است. نکته اول این است که مجید تفرشی، به عنوان یکی از گردانندگان اصلی جلسه در ابتدا تأکید کرد که بدنبال این بوده‌اند که شخص محمود احمدی‌نژاد و یا یکی از نزدیکان او در جلسه حضور داشته باشند که این درخواست از سوی



عکس: president

و ریشه مباحث پوپولیسم، عوام‌فریبی و عوام‌زدگی و عوام‌گرایی است. آقای احمدی‌نژاد، به درستی فهمیده بود که شماری از مسئولان جمهوری اسلامی، به دلایل مختلف، تغییر کرده‌اند و بنابراین ایشان می‌تواند با تیم و سازمانش، روی دوش نظر افرادی قرار بگیرند که اعتقاد دارند جمهوری دچار استحاله شده و می‌توانند انقلاب را به جای خودش برگردانند.

بنابراین، دو دسته همراه آقای احمدی‌نژاد شدند؛ یکی طبقات فرودست و یا ایدئولوژیک که اعتقاد دارند انقلاب نیاز به اصلاح دارد و یک مصلح جدید با خون تازه لازم است و یا افرادی که اعتقاد داشتند که انقلاب باید دچار فروپاشی شود و چه بهتر که از درون این اتفاق بیفتد و چه فردی بهتر از احمدی‌نژاد می‌تواند باشد. در ابتدا، دسته اول اکثریت داشتند و هر چه جلوتر رفت، دسته دوم اکثریت پیدا کرد. در انتخابات ۸۴، آقای احمدی‌نژاد بخت بسیار کمتری داشت و با نایخردی که اصلاح‌طلبان کردند، راه برای آقای احمدی‌نژاد باز شد.

نکته بعدی درباره دولت آقای احمدی‌نژاد، این است که سیاست

که هرگز از یاد نمی‌برم. گفت که در زمان هشت سال دولت محمد خاتمی، ما بسیار در اسرائیل زجر کشیدیم، برای اینکه چند نهاد و دپارتمان درست کردیم؛ برای اینکه بگردیم بین خطوط اظهارات خاتمی و اطرافیانش مطالبی را برای مچ‌گیری از ایران پیدا کنیم. اما حالا با تشکر از آقای احمدی‌نژاد، از زمانی که ایشان آمده ما این دپارتمان را تعطیل کردیم. برای اینکه نیازی نداریم ذره‌بین بیاندازیم. بارها در زمان دولت آقای احمدی‌نژاد، شاهد این بودم که مسلمانان افراطی در اروپا، او را با آقای بن‌لادن مقایسه می‌کردند و می‌گفتند که آنها تنها امیدهای آینده جهان اسلام هستند.

ما در دوران آقای احمدی‌نژاد، شاهد زندگی ملتی در بودیم که توجهی به فردا و نگاه راهبردی به آینده نداشت. این در واقع بن‌مایه

خداشه به حس تعلق و وفاداری



مجید تفرشی
تاریخ‌نگار

موضوع احمدی‌نژاد و تجربه او، بحث یکطرفه‌ای نیست. البته پدیده‌ای است که روند و جریان یک اندیشه است که پیشینه و دوره اوج داشته و هنوز هم ادامه دارد. من در همان آغاز دوره ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد، در کنفرانسی که دانشجویان یهودی مدرسه علوم اقتصادی لندن دعوت داشتم و نفر دوم سفارت اسرائیل در این کنفرانس، سخنرانی می‌کرد، جمله‌ای را به زبان آورد